

نگاهی بر معضل چشم‌چرانی آقایان:

چشم‌ها را بایک بیت

مریم راهی



اشاره:

مردی با دبه چهار لیتری که به دست دارد گوشه خیابان در تقاطع برای قدری بنزین. هر ماشینی نزدیک می‌شود جلوتر می‌رود و خم می‌شود و ظرف خالی را چند باری تکان می‌دهد، ماشین‌ها به سرعت از کنارش می‌گذرند، بی آن که گوشه چشمی به او اندازند.

چند خیابان پایین‌تر خانمی که گویا ماشینش داغ کرده یا چیزی شبیه به این، پیاده شده و کاپوت را زده بالا. بی آن که تقاضای کمک داشته باشد هر ماشینی که از راه می‌رسد نیش‌ترمزی و بوقی و اعلام آمادگی برای کمک (!) و بعد هم اصرار که «تعارف می‌کنید؟» و خانم تمام کمک‌ها را با کلافگی رد می‌کند.

این دو صحنه آشنا در نگاه اول آن قدر ساده است که ساده از کنارش می‌گذریم چون چیزی جز خیرخواهی جمعی در برابر بی‌اعتنایی جمعی دیگر را به ذهن نمی‌آورد. اما اگر موشکافانه بنگریم و دست بگذاریم روی حس خیرخواهی برخی آقایان که اغلب بی‌موقع و غافلگیر کننده بروز می‌یابد، این سادگی رنگ می‌بازد و پیچیدگی‌ها عیان می‌شود.

■ ■ ■

مردان حرفه‌ای در چشم‌چرانی، بسیار تمایل دارند که خدمت‌رسان زنان باشند و اگر از آن‌ها بپرسی چرا، به اصطلاح تو را می‌پیچانند و می‌گویند یک نظر حلال است، قصد ازدوج داریم، این حرف‌ها قدیمی شده، خودشان دوست دارند نگاه‌شان کنیم، شما خودتان می‌توانید چشم‌تان را به روی زیبایی‌ها ببندید؟ و ...

همین حرفه‌ای‌ها اگر در کارشان دقت کنی متوجه می‌شوی معمولاً سراغ

مشاغلی می‌روند که بیش‌تر با خانم‌ها در ارتباط باشند. مثلاً فروشنده لباس‌های زنانه می‌شوند یا عکاس و فیلمبردار، مسافر زن سوار می‌کنند و برایشان دل می‌سوزانند؛ دانشگاه هم اگر بروند اغلب دوستان‌شان را دخترها تشکیل می‌دهند، دست آخر هم می‌شوند متخصص بیماری‌های زنان در مطبی که درش درست روبه‌روی آرایشگاه زنان است! کلاً می‌شوند متولی امور زنان در اجتماع! غیرحرفه‌ای‌های این فن، علنی به دیدزدن می‌پردازند و آنقدر زل می‌زنند که قربانی آنان یا خجالت‌زده می‌شود و فراری و یا عصبی و شاکمی. زیرا این اختلال روانی هر چند برای خود فرد هدفمند است و لذت آنی به همراه دارد، اما برای قربانی آن ناراحت‌کننده است و زجرآور.

■ ■ ■

چشم‌چرانی به عنوان معضلی اجتماعی و نیز یک بیماری روانی، در برخی اشخاص به طور ذهنی بروز می‌یابد. یعنی شخص، چشم‌چرانی می‌کند اما در ذهن و خیال؛ به این ترتیب که در کتاب‌ها و لایه‌لای فرهنگ‌های این کشور و آن کشور دنبال صحنه‌هایی می‌گردد که قابلیت دیدزدن داشته باشد، به دنبال فیلم‌های مبتذل است و برای معشوقه خیالی خود شعر می‌گوید و با او به پارک می‌رود و راه و بیراه سر از اینترنت در می‌آورد.

نه تنها روان، بلکه جسم فرد چشم‌چران هم از دست خودش در امان نمی‌ماند. ترشح مواد زائد توسط غدد داخلی و جمع شدن مواد سمی در خون بالا رفته، که در نهایت منجر به ارتکاب جرم و جنایت می‌شود. علاوه بر این، نگاه شهوت‌انگیز باعث می‌شود شوک‌های مکرر به مغز و قلب وارد شود و به بیماری‌هایی لاعلاج بیانجامد. دشواری در تنفس، درد در اطراف قلب، بالا رفتن تپش قلب، ضعف و خستگی عمومی که منجر به کسالت و عدم انگیزه برای کار و فعالیت می‌شود،

نه تنها روان، بلکه جسم فرد چشم‌چران هم از دست خودش در امان نمی‌ماند. ترشح مواد زائد توسط غدد داخلی و جمع شدن مواد سمی در خون بالا رفته، که در نهایت منجر به ارتکاب جرم و جنایت می‌شود. علاوه بر این، نگاه شهوت‌انگیز باعث می‌شود شوک‌های مکرر به مغز و قلب وارد شود و به بیماری‌هایی لاعلاج بیانجامد.

و آن‌را به اسارت نفس در می‌آورد، زیرا حاضر می‌شود از چشمانش به عنوان سلطان بدن که مرکز نیروهای مرموز و ناشناخته است و زبان گویای قلب و شخصیت و به فرموده امام صادق (علیه السلام) دنیایی را در خود جای داده است، استفاده سوء کند و آن‌را در جهت براندازی شرافت خود و اطرافیانش به کار گیرد.

انگلیسی‌ها مطالعه‌ای داشته‌اند بر روی همین معضلی که هر روز در اماکن عمومی مانند مترو، اتوبوس و در سوپر مارکت‌ها و پارک‌ها با آن مواجهیم. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که مردها به طور میانگین روزانه ۴۳ دقیقه را صرف خیره شدن به جنس مخالف می‌کنند که این میزان برابر با ۲۵۹ ساعت یا تقریباً ۱۱ روز در سال است.

هر چند این آمار را نمی‌توان به جامعه اسلامی خودمان، تعمیم داد، اما پربراه نیست که با گشتی در شهر، آماری مشابه آن‌را در پرونده مردان چشم‌چران ایرانی هم ثبت نمود و از سویی دیگر آن‌را مقایسه کرد با میانگین سرانه مطالعه در همین پرونده!

درد معده، هراس از خطرات غیر قابل توصیف، بی‌خوابی و کم‌اشتهایی، برخی از آسیب‌های حاصل از روان ناآرام فرد چشم‌چران است.

از آن‌جا که فرد عضوی از اجتماع است و هنگامی که جمع می‌شود، اجتماع شکل می‌گیرد، هر آسیبی متوجه او باشد گریبان اجتماع را نیز خواهد گرفت. بنابراین نباید تعجب کرد که ۶۰ درصد ازدواج‌هایی که از طریق چشم‌چرانی (یا همان عشق در نگاه اول!) شکل گرفته به طلاق کشیده شود و از دل چنین خانواده‌هایی است که فرزندان عصبی و بزه‌کار پا به اجتماع می‌گذارند. همچنین چشم‌چرانی‌های حین رانندگی، تصادف به بار می‌آورد و بنا بر آمار سال ۱۹۶۲ نیویورک، ۲۷۶۶ فقره تصادف در اثر این معضل روانی ثبت شده که ۲۸۰ کشته بر جای گذاشته است!

زنده کردن حس بی‌اعتمادی، بدگمانی به افراد خصوصاً به جنس مخالف و بازی با آبروی مردم، از دیگر آسیب‌های چشم‌چرانی است. بی‌شک فرد چشم‌چران قوه عقل خود را نادیده می‌گیرد

۶۰ درصد ازدواج‌هایی که از طریق چشم‌چرانی (یا همان عشق در نگاه اول!) شکل گرفته به طلاق کشیده شود و از دل چنین خانواده‌هایی است که فرزندان عصبی و بزه‌کار پا به اجتماع می‌گذارند.

